

تقابل یا هم‌نشینی ذهنیت‌ها

مسعود صفری*

دانشگاه سوربن فرانسه بود. اگرچه او در رشته فلسفه تحصیل و در زمینه‌های مختلفی چون فلسفه اخلاق و تاریخ فلسفه آثاری را تألیف کرد، اما شهرتش عمدتاً به دلیل مطالعات و تألیفاتش در زمینه انسان‌شناسی است. از دلمشغولی‌های اصلی لوی — برول، شناخت ویژگی‌های ذهنیت انسان‌های ابتدایی بود و در این زمینه پژوهش‌های زیادی انجام داد و آثار متعددی نوشت. از نوآوری‌های لوی — برول در عرصه انسان‌شناسی، طرح نظریه تقابل دو ذهنیت ابتدایی و ذهنیت مدرن بود که آن را در مخالفت با آرای انسان‌شناسان



کارکردهای ذهنی در جوامع عقب مانده. لوسین لوی — برول. ترجمه یدالله موقن. تهران: هرمس، ۱۳۸۹. ۵۲۸ ص. ۱۲۰۰۰۰ ریال.

تقابل یا هم‌نشینی ذهنیت‌ها

کتاب کارکردهای ذهنی در جوامع عقب مانده اثر لوسین لوی — برول از آثار کلاسیک انسان‌شناسی است. این کتاب (که از این پس به شکل کارکردهای ذهنی از آن یاد می‌شود) در سال ۱۹۱۰ در پاریس به زبان فرانسوی انتشار یافت و

تکامل‌گرایی بریتانیایی مطرح کرد. تکامل‌گرایان انگلیسی مانند ادوارد تیلر و جیمز فریزر تحت تأثیر نظریه تکامل زیست‌شناسی داروین و تکامل فرهنگی اسپنسر، تحول فرهنگ و جامعه را خطی و دارای مسیری تکاملی می‌دانستند. از نظر آنان فرهنگ‌های ابتدایی قریب‌های مراحل اولیه فرهنگ اروپای مدرن محسوب می‌شدند. براساس این نظریه، ذهنیت و کارکردهای ذهنی همه انسان‌ها در جوامع مختلف یکی است. اندیشه انسان از پایین‌ترین تا بالاترین سطح یکسان و همگون است و بین ذهنیت مردمان ابتدایی و انسان مدرن تفاوتی وجود ندارد. در واقع آنان به اصل یگانگی خرد انسانی باور داشتند. لوی — برول در مخالفت با این تکامل‌گرایی، نظریه ذهنیت اقوام ابتدایی را مطرح کرد. بر مبنای این نظریه، ذهنیت انسان ابتدایی نه تنها از سنخ و جنس ذهنیت انسان مدرن اروپایی نیست، بلکه در نقطه مقابل آن قرار دارد. به زعم لوی — برول برخلاف نظر تکامل‌گرایان، شیوه‌های تفکر بشری یکسان نیست بلکه دو ساحت تفکری وجود دارد: یکی تفکر انسان اروپایی مدرن و دیگری تفکر انسان ابتدایی که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند. تفکر ابتدایی خصلتی جادویی دارد و نسبت به اصل امتناع تناقض بی‌تفاوت است. در مقابل، تفکر انسان اروپایی مدرن، علمی، انتقادی و عینی است و پایبند به اصل امتناع تناقض. لوی — برول در تبیین این نظریه کتاب کارکردهای ذهنی را نوشت. او در این کتاب سعی کرد عمومی‌ترین قوانین حاکم بر ذهنیت ابتدایی و ساز و کار آن را کشف و علم اثباتی کارکردهای ذهن را ابداع کند.

اهم نظریات لوی — برول در کتاب کارکردهای ذهنی را می‌توان چنین بیان کرد: ذهنیت ابتدایی پدیده‌ها و چیزهای متفاوت را

بعداً به زبان انگلیسی ترجمه شد. متن انگلیسی به همت یدالله موقن ترجمه و به تازگی توسط نشر هرمس منتشر شده است. کتاب شامل سه قسمت است: مقدمه مترجم، متن اصلی که شامل نه فصل است و مقاله دورکم در نقد نظریات لوی — برول. تا آن‌جا که یافته‌ایم در میان آثار متعدد لوی — برول فقط کتاب کارکردهای ذهنی به فارسی ترجمه شده است. با وجود آن که احسان طبری در سال ۱۳۲۳ لوی — برول را به ایرانیان معرفی کرد، اما او در ایران چهره‌ای چندان شناخته شده نیست. احسان طبری در دو شماره از نشریه مردم برای روشنفکران در مقاله‌ای به نام «طرز تفکر و استنباط قبایل بدوی و آثار آن در طرز تفکر مردم ایران» به معرفی و بررسی اندیشه‌های لوی — برول درباره ذهنیت اقوام ابتدایی پرداخت. طبری با معرفی لوی — برول در پی پاسخ‌دادن به یک ضرورت اجتماعی بود. او می‌خواست با استفاده از نظریات لوی — برول به نقد بخشی از باورهای ایرانیان بپردازد که از نظر طبری خرافات نامیده می‌شد. طبری این خرافات را «تظاهرات مختلفه طرز تفکر بدوی» می‌دانست. طبری فقط معرف نظریات لوی برول نبود بلکه برای خلاصی ایرانیان از «مظاهر ذهنیت بدوی» راهکارهایی نیز پیشنهاد کرد. لوی — برول، نظریات او و راهکارهای طبری در قبیل و قال بحث‌هایی که مهم‌تر به نظر می‌رسید فراموش شد تا این که لوی — برول مجدداً توسط یدالله موقن به جامعه ایران معرفی شد. در فاصله معرفی طبری تا ترجمه کارکردهای ذهنی، خواننده فارسی زبان عمدتاً در کتاب‌های انسان‌شناسی، آن هم به شکلی محدود می‌توانست از آرای لوی — برول اطلاع حاصل کند.

لوسین لوی — برول (۱۸۵۷-۱۹۳۹) استاد تاریخ فلسفه مدرن

یکسان می‌پندارد. این اصل را لوی - برول «آمیختگی» می‌نامد. آمیختگی یعنی «در بازنمایی‌های جمعی ذهنیت ابتدایی، موجودات زنده، اشیاء، پدیده‌ها و رویدادها می‌توانند هم خودشان باشند و هم چیز دیگری»^۳. از نظر لوی - برول نخستین و بنیادی‌ترین قانون حاکم بر ذهنیت ابتدایی، قانون آمیختگی است.^۴ این ذهنیت به این‌همانی یک با بسیار، این‌همانی دو موجود متفاوت و این‌همانی فرد با گونه اعتقاد دارد.^۵ ذهنیت ابتدایی به اصل امتناع تناقض پایبند نیست، مشکلی با پذیرفتن امور متناقض ندارد و نسبت به تناقض بی‌تفاوت است.^۶ انسان ابتدایی ذهنیتی عرفانی (Mystic) دارد و سرشت عام بازنمایی‌های جمعی‌اش عرفانی است. ذهنیت عرفانی «به نیروها، تأثیرات و اعمالی اعتقاد دارد که گرچه آن‌ها را از طریق حواس نمی‌تواند درک کند اما وجودشان را واقعی می‌پندارد».^۷ ذهنیت انسان ابتدایی پیش منطقی است. در توضیح این اصطلاح باید گفت به زعم لوی - برول آن‌چه را که انسان اروپایی رابطه علت و معلول می‌نامد، مورد توجه انسان ابتدایی قرار نمی‌گیرد و اگر هم به آن توجه کند آن را چندان مهم نمی‌داند. در مقابل، آن‌چه که در کانون توجه اوست، آمیختگی‌های عرفانی است که حوزه تفکر او را اشغال می‌کند. لوی - برول بر اساس این ویژگی ذهنی، ذهنیت اقوام ابتدایی را پیش منطقی می‌نامد.^۸ لوی - برول بر اساس محتوای بازنمایی‌های انسان ابتدایی، ذهنیت او را عرفانی و بر اساس پیوندهایی که این بازنمایی‌ها میان پدیده‌ها برقرار می‌کند، ذهنیت او را پیش منطقی می‌خواند.^۹ لازم به توضیح است که پیش منطقی به معنی غیر منطقی یا ضد منطقی نیست، بلکه لوی - برول به خاطر نبودن اصطلاح مناسب‌تر، از این واژه استفاده کرد. بر مبنای تفسیری لوی - برول، منظور از اصطلاح پیش منطقی آن است که ذهنیت ابتدایی بر خلاف ذهنیت اروپایی مقید به اصل امتناع تناقض نیست.^{۱۰} این چهار اصل، کلید فهم نظریات لوی - برول در کتاب کارکردهای ذهنی است. او تأثیرات این اصول را بر رسوم، زبان و نحوه شمارش اقوام ابتدایی نیز بررسی می‌کند. از نظر او بررسی ویژگی‌های زبانی و سیستم شمارشی اقوام ابتدایی، ذهنیت پیش منطقی و عرفانی آن‌ها را تأیید می‌کنند.^{۱۱} این زبان‌ها مفهومی نیستند و بیشتر تصویری، توصیفی و فاقد اسامی عام هستند.^{۱۲} ذهنیت پیش منطقی نمی‌تواند به روشنی عدد را از معدود جدا کند. این ذهنیت همچنین تعداد را به طور کیفی و نه به شکلی انتزاعی درک می‌کند.^{۱۳} بر مبنای اصول مذکور لوی - برول نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان ذهنیت انسان ابتدایی را با انسان غربی مقایسه کرد و بر خلاف نظریات یکسان‌پندارانۀ انسان‌شناسان بریتانیایی، این دو ذهنیت متعلق به دو ساحت کاملاً جداگانه و در تضاد با یکدیگر هستند.

تعمق در نظریات لوی - برول پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که درستی نظریات او را به چالش می‌کشند. آیا آن‌گونه که لوی - برول معتقد است مرزبندی عبورناپذیری میان ذهنیت ابتدایی و ذهنیت مدرن وجود دارد؟ آیا تناقض و آمیختگی فقط در انحصار اندیشه ابتدایی است و اندیشه مدرن از این آسیب‌ها برکنار است؟ آیا نمی‌توان همان‌گونه که لوی - برول برای اندیشه ابتدایی سلسله

مراتب قائل است، برای ذهنیت علمی و انتقادی نیز همین تفاوت در مرتبه را قائل شد؟ آیا اقوام ابتدایی به همین میزان که لوی - برول مدعی است خرد‌گریز و تجربه‌ستیز هستند و در پیشبرد عقلانیت و تکامل بشری هیچ سهم و مشارکتی نداشته‌اند؟

این پرسش‌ها برای انسان‌شناسان هم‌عصر لوی - برول نیز مطرح بود. بلافاصله پس از انتشار کارکردهای ذهنی، نظریات لوی - برول مخالفان و موافقانی پیدا کرد. موافقان، نظریات او را تفسیری روشنگرانه از شیوه‌های تفکر انسان ابتدایی تلقی می‌کردند و آن را برای درک ذهنیت اقوام غیر اروپایی مفید می‌دانستند. اما بسیاری از انسان‌شناسان هم‌عصر لوی - برول و انسان‌شناسان نسل بعد از وی تقابل میان دو ذهنیت را نپذیرفتند و آن را مورد انتقاد قرار دادند. معروف‌ترین منتقدان لوی - برول، امیل دورکم، اوانز پریچارد، لوی اشتراوس و مایلیونوفسکی بودند. به غیر از دورکم، مخالفت‌های سایر منتقدان مبتنی بر پژوهش‌های میدانی بود. اینان تقابل دو ذهنیت را انکار می‌کردند و مرزبندی لوی - برول را تصنعی و غیرواقعی می‌دیدند. بر خلاف نظر لوی - برول، دورکم اظهار داشت که تفکر علمی مفاهیم اصلیش را از تفکر ابتدایی و جادویی اخذ کرده است. به همین علت دورکم، بشر متمدن را وامدار انسان ابتدایی دانست و بیان داشت که منطق حاکم بر ذهن انسان ابتدایی با همه خامیش تأثیر مهمی بر تکامل عقلانیت بشر داشته است.^{۱۴} از دیگر منتقدان فرانسوی لوی - برول، لوی اشتراوس بود. اشتراوس تقابل دو ذهنیت را مردود دانست و تمایزی میان شیوه اندیشیدن انسان اروپایی مدرن و شیوه اندیشیدن انسان ابتدایی قائل نشد.^{۱۵} پریچارد آن‌چه را لوی - برول به عنوان اصلی‌ترین ویژگی‌های تفکر ابتدایی معرفی کرده بود، تا حد زیادی بی‌پایه و اساس دانست.^{۱۶} مایلیونوفسکی نیز منکر نظریۀ تقابل ذهنیت‌ها شد. او چنین استدلال می‌کرد که دو شیوه تفکر جادویی و علمی - تجربی با یکدیگر همزیستی دارند و اقوام ابتدایی و مدرن هر دو، عناصر تفکر جادویی و تفکر علمی را ترکیب می‌کنند.^{۱۷} برخی انسان‌شناسان دیگر بر تأثیر دانش اقوام ابتدایی بر توسعه علم تأکید کردند. به زعم اینان اقوام ابتدایی باعث توسعه علوم نجوم، دریانوردی، گیاه‌شناسی، بوم‌شناسی، علم تغذیه، و داروشناسی شده‌اند، اگرچه اقوام ابتدایی این دانش‌ها را با زبانی دینی بیان کرده‌اند.^{۱۸} کاسیرر نیز که پژوهشگر ویژگی‌های تفکر اسطوره‌ای بود و در زمینه حوزه پژوهشی با لوی - برول اشتراک داشت، تقابل دو ذهنیت و نظریۀ زبان ابتدایی لوی - برول را نپذیرفت.^{۱۹} علاوه بر آن چه گفته شد، بر کتاب کارکردهای ذهنی هم به لحاظ روش و هم به لحاظ محتوا انتقاداتی وارد است که آن را در دو مبحث جداگانه بررسی می‌کنیم.

نقد بر روش

کتاب را به لحاظ روش‌شناسی حداقل از دو جنبه می‌توان مورد انتقاد قرار داد. لوی - برول طیف وسیعی از جوامع بشری را در چارچوبه اقوام ابتدایی قرار داده که این جوامع به علت برخورداری از سطوح مختلف تمدنی و فرهنگی با یکدیگر هم‌سطح و همگون نیستند. چه‌گونه

می‌توان بومیان استرالیا، سرخپوستان چروکی و قبایل کلامات و سی اوکسی ساکن در آمریکا، بوریات‌های ساکن در سیبری و فیجی‌ها را با یونانی‌ها، مصری‌ها، چینی‌ها و بابلی‌ها یکسان پنداشت؟ خواننده آشنا با تاریخ نمی‌داند چگونه یونانی‌های خالق دموکراسی و بانی منطق و فلسفه را با قبیله بوروری ساکن در شمال برزیل و یا مصری‌های سازنده اهرام را با بوریات‌های سیبری یکسان تلقی کند. آیا یکسان‌پنداری اقوام و تمدن‌های مختلف از مصادیق قانون آمیختگی نیست؟ روش تحقیق لوی - برول دچار ضعف دیگری نیز هست. تحقیقات او متکی بر مشاهدات میدانی نبود. لوی - برول شناخت مستقیم و بی‌واسطه‌ای از اقوام مورد بررسی‌اش نداشت. او در سوربن کرسی استادی داشت و در تمام زندگی خود حتی یکی از این اقوام ابتدایی را ندیده بود.^{۲۰} اساساً اولین انسان‌شناسان فرانسوی (لوی - برول، دورکم و موس) دارای تجربه پژوهش‌های میدانی نبودند. اینان را انسان‌شناسان دفتری نامیده‌اند.^{۲۱} پواریه معتقد است اگر این انسان‌شناسان امروز وجود داشتند (به دلیل نداشتن تجربه میدانی) دیگر انسان‌شناس محسوب نمی‌شدند.^{۲۲} واسطه لوی - برول برای شناخت اقوام ابتدایی، مردم‌نگاری‌های تهیه شده توسط سیاحان و مبلغان مذهبی و یا آثار انسان‌شناسان حرفه‌ای بود. مردم‌نگاران در گزارش‌های خود بیشتر به جنبه‌های غیرعادی زندگی انسان‌های ابتدایی توجه داشتند تا جنبه‌های عادی، به همین علت تصویرهای کاریکاتوری از حیات جوامع ابتدایی ارائه می‌کردند. پریچارد که مدتی در افریقا با قبایل بومی آن‌جا زندگی کرده بود درباره عدم آشنایی مستقیم لوی - برول با موضوع تحقیقش اظهار داشت: «لوی - برول نظریه پردازی کرسی نشین بود که همانند دیگر همکاران فرانسوی خود نه هرگز یک انسان ابتدایی دیده بود نه با او هم سخن شده بود».^{۲۳} عدم شناخت مستقیم لوی - برول از جوامع مورد بررسی‌اش باعث شد که او تصویری اغراق آمیز از نقایص ذهنیت ابتدایی ارائه کند.

نقد بر محتوا

اصلی‌ترین نظریه کتاب کارکردهای ذهنی، تقابل و ناهمسانی ذهنیت انسان ابتدایی و انسان مدرن است که یکی جادویی و عرفانی می‌اندیشد و دیگری علمی و انتقادی. حال آن که به نظر می‌رسد این دو شیوه اندیشیدن بیش از آن که با یکدیگر تقابل داشته باشند، همزیستی دارند. در برخی جوامع تفکر انتقادی و علمی غلبه دارد و در برخی جوامع تفکر جادویی و عرفانی. اگر به تقابلی که لوی - برول مطرح می‌کند باور داشته باشیم، چگونه می‌توان ظهور نازیسم در آلمان، کشور سنجش خرد ناب را توضیح داد؟ آلمان در آستانه جنگ جهانی دوم در بسیاری از زمینه‌های علمی و تکنیکی سرآمد جهان بود. اما چه گونه آلمانی‌های مدرن بر اساس اسطوره نژاد برتر، هولناک‌ترین فجایع را به وجود آوردند؟ در کتاب اسطوره دولت اثر ارنست کاسیرر که توسط موقن ترجمه شده است، اشارات فراوان هم در مقدمه مترجم و هم در متن وجود دارد که از جادویی و اسطوره‌های اندیشیدن متفکرانی چون مارکس، هگل، کارلایل و اندیشه‌مندان

مکتب فرانکفورت حکایت می‌کند.^{۲۴} پس چگونه می‌توان بر مبنای نظر لوی - برول وجود مارکس جادو اندیش و هگل و کارلایل اسطوره‌زده را در اروپای مدرن توضیح داد؟ از طرف دیگر محتوای کتاب کارکردهای ذهنی عاری از تناقض نیست. لوی - برول طی هشت فصل کتاب خود تلاش می‌کند تا این دو ذهنیت را در برابر هم قرار دهد. اما در فصل نهم نظری مخالف بیان می‌کند. به نظر می‌رسد که فصل نهم کتاب در تناقض با فصول پیشین قرار دارد. فصل نهم به صورتی پنهان در بردارنده نظریه تکامل ذهنی است که لوی - برول منکر آن بود. همچنین در فصل نهم لوی - برول به صراحت بیان می‌کند که به نظریه هم زیستی دو شیوه تفکر باور دارد. در فصل نهم حرکت تکاملی تفکر بشری را می‌بینیم. ابتدا با جوامع ابتدایی روبه‌رو هستیم. سپس با جوامع اسطوره‌ساز مواجه می‌شویم. به اعتقاد لوی - برول جوامعی که اسطوره‌های بسیاری دارند، متکامل ترند و از جوامع ابتدایی فاصله گرفته‌اند (مانند سونی‌ها یا ایروکویی‌ها).^{۲۵} در همین فصل با توصیف لوی - برول از جوامعی چون چین و هند روبه‌رویم. چین خالق «دانش دایرةالمعارفی عظیمی در نجوم، فیزیک، شیمی، فیزیولوژی، آسیب‌شناسی [پاتولوژی] و طب درمانی [تراپولوژی]» بود. هند نیز صاحب «دستور زبان دانان، ریاضی‌دانان و منطق‌دانان» بوده است.^{۲۶} بنابراین چنین به نظر می‌رسد که لوی - برول در فصل نهم تصویری از تکامل جوامع در سطوح مختلف ارائه می‌کند. اما این روند تکاملی متوقف می‌شود چون «سست شدن پیش - پیوندهای عرفانی و عناصر عرفانی اجتناب‌ناپذیر و مداوم نیست».^{۲۷} طبیعتاً در این سیر تکاملی، مرحله بعد ظهور اروپای مدرن است، ولی این حلقه نهایی در زنجیره لوی - برول وجود ندارد. علت آن است که از نظر لوی - برول ذهنیت ابتدایی نمی‌تواند به دلیل ناپسندگی‌های ذاتی‌اش به ذهنیت مدرن تبدیل شود. در این جا نظریات لوی - برول در بن بست دیگری قرار می‌گیرد. حال که تفکر جادویی - عرفانی به دلیل سرشت ذاتی‌اش نمی‌تواند تبدیل به تفکر مدرن شود، پس چگونه ذهنیت قرون وسطایی اروپا که در زیر مجموعه ذهنیت اقوام ابتدایی می‌گنجد، بدل به ذهنیت مدرن می‌شود؟ طبیعتاً برای ظهور عقلانیت مدرن بر اساس نظریات لوی - برول نمی‌توان پیش درآمد و پیش زمینه‌ای قائل شد. نتیجه بحث لوی - برول آن است که علم جدید غربی و انسان مدرن بدون داشتن هیچ زمینه تاریخی، از عدم سر برآورد. آیا نظریه خلق از عدم خود ناشی از تفکر جادویی نیست؟ لوی - برول توضیحی برای چگونگی ظهور تفکر مدرن ندارد. او در تمامی هشت فصل کارکردهای ذهنی، دو شیوه تفکر را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. اما در فصل نهم صراحتاً نظر خود درباره همزیستی دو شیوه تفکر را بیان می‌کند. او می‌گوید: «حتی در جوامعی همانند جوامع خود ما بازنمایی‌ها و پیوندهای میان آن‌ها زیر سلطه آمیختگی هستند و به این زودی‌ها ناپدید نخواهند شد... گرچه آن‌ها از میان رفتنی نیستند اما در کنارشان بازنمایی‌های دیگری هستند که تابع قوانین منطق‌اند. در حقیقت فعالیت ذهنی ما هم عقلانی و هم غیرعقلانی است به این معنی که در ما ذهنیت منطقی با ذهنیت عرفانی و پیش - منطقی همزیستی دارد».^{۲۸} به نظر می‌رسد که لوی

— برول در صفحات پایانی کتابش به جای تقابل، از همزیستی دو شیوه تفکر سخن می‌گوید و این در تناقض با نظریه اصلی اوست. بنابراین خود لوی — برول نیز نتوانسته از اصل امتناع تناقض و آمیختگی که آن‌ها را از ویژگی‌های تفکر ابتدایی بر می‌شمارد، رهایی یابد. این امر نشان می‌دهد که تناقض و آمیختگی فقط در انحصار اقوام ابتدایی نیست و اندیشه انسان مدرن هم می‌تواند ویژگی‌های ذهنیت ابتدایی را داشته باشد. نقد کتاب **کارکردهای ذهنی**، بدون پرداختن به مقدمه مترجم ناتمام است. مقدمه مترجم حجم قابل توجهی از کتاب را در بر می‌گیرد. موقن در این مقدمه طولانی نظریاتی را مطرح می‌کند که بحث‌برانگیز است. همچنین روش او در معرفی لوی — برول قابل تأمل است. بدین دلایل بایسته است که مقدمه به صورتی مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

درباره مقدمه

موقن مترجمی پرکار است که تاکنون کتاب‌های ارزشمند و دشواری را عمدتاً در زمینه تفکر اسطوره‌ای ترجمه کرده است. او معمولاً مقدمه‌هایی طولانی بر ترجمه‌هایش می‌نویسد و در این مقدمه‌ها نظریات خود را درباره مسائل مختلف مطرح می‌کند. این روش در کتاب **کارکردهای ذهنی** نیز اعمال شده است. موقن مقدمه‌ای در حد کتابی کم حجم بر **کارکردهای ذهنی** نوشته است. او در مقدمه به شرح زندگی و نظریات لوی — برول و تأثیرات او بر اندیشه‌مندان دیگر می‌پردازد و در ضمن این مباحث، نظریاتی نیز درباره روشنفکری ایران و زبان فارسی ابراز می‌دارد. متن مقدمه را می‌توان به لحاظ شکل و محتوا مورد بررسی قرار داد. به لحاظ شکل، مقدمه فاقد انسجام است و مطالب بعضاً بدون پیوستگی با هم در یکدیگر متداخل شده‌اند. برای مثال: موقن در صفحه ۱۰ مقدمه شروع به برشمردن متفکرانی می‌کند که از اندیشه‌های لوی — برول متأثر شده‌اند. اما بعد از بیان تأثیرات لوی — برول بر کاسیرر و پیاژه، این مبحث را رها می‌کند و به بررسی اندیشه‌های لوی — برول، رد نظریات منتقدان او، بررسی نظریات کاسیرر درباره عصر روشنگری، طرح نظریه عقلانیت ویر، معرفی اندیشه‌های پیاژه و آوردن نقل قول‌های ستاینندگان لوی — برول و مطالب دیگر می‌پردازد. سپس از صفحه ۴۵ مجدداً مبحث تأثیرگذاری لوی — برول بر دیگران را پی می‌گیرد. آن‌گاه در میان مبحث لوی — برول، بنیان‌گذار علم شناخت‌شناسی، درجایی که خواننده انتظار ندارد، یکبار به بررسی روشنفکری ایران می‌پردازد. عدم انسجام مطالب باعث آشفتگی متن مقدمه شده است.

علاوه بر این، مقدمه از تکرار و اطباب خالی نیست، به گونه‌ای که اگر بسیاری از مطالب آن حذف شود، لطمه‌ای نمی‌بیند. نمونه‌ای را متذکر می‌شوم: پس از آن که موقن در صفحات مختلف به بررسی نظریات لوی — برول می‌پردازد (بنگرید به صفحات: ۷-۳، ۹، ۱۵، ۱۹، ۲۸-۲۳) در صفحه آخر مقدمه (ص ۵۷) جایی که درباره چگونگی ترجمه کتاب سخن می‌گوید، مجدداً نظریات لوی — برول را برای خواننده توضیح می‌دهد. بر محتوای مقدمه نیز انتقاداتی وارد است. به

نظر نگارنده متن مقدمه متعصبانه و متناقض است و به‌رغم آن که موقن ذهنیت تمامی روشنفکران ایران را اسطوره‌ای می‌داند، ادبیات متن مقدمه اسطوره زده است. همچنین مترجم درباره روشنفکری ایران ادعاهایی را مطرح می‌کند که این دعاوی بیش از آن که روشنگرانه باشند، پرسش‌برانگیزند.

موقن نسبت به لوی — برول و نظریات او تعصب خاصی نشان می‌دهد. پس از آن که لوی — برول نظریات خود را درباره تقابل دو ذهنیت ابتدایی و مدرن مطرح کرد با انتقادات فراوان انسان‌شناسان هم عصر خود روبه‌رو شد. او که اندیشه‌مندی به دور از خشکاندیشی و تعصب بود در نظریاتش تجدید نظر کرد.^{۲۹} یادداشت‌های او که ده سال پس از مرگش منتشر شد حکایت از تجدید نظرهای او دارد.^{۳۰} همچنین لوی — برول در نامه‌ای که به او از پریچارد نوشت، در پاسخ به انتقادات او گفت: «در جایی که نوشته‌اید من اندیشه وحشی را از آن چه هست بسیار خرافاتی تر و وهم‌آمیز تر جلوه داده‌ام می‌پذیرم که گناهکارم و قبول دارم که انتقادهای شما منصفانه است... می‌پذیرم که وحشیان را خرافی تر و بشر متمدن را معقول تر از آن چه هستند جلوه داده‌ام و به خطای خود معترفم...».^{۳۱} بسیاری از کسانی که درباره نظریات انسان‌شناسی برول مطلبی نوشته‌اند، به تجدیدنظرهای او نیز پرداخته‌اند. با وجود این موقن اصرار دارد که لوی — برول از مواضع خود عقب‌نشینی نکرده است. همچنین شیوه موقن در معرفی لوی — برول اغراق‌آمیز و نابسنده است. موقن در عرصه علوم انسانی برای لوی — برول منزلتی را قائل شده که واقع‌نما نیست. او در صفحه اول مقدمه نام برول را کنار نام اینشتاین می‌گذارد و در صفحه ۱۴ نیز از اهمیت انقلاب فکری لوی — برول سخن می‌گوید. هم‌نشینی نام اینشتاین و لوی — برول به ذهن خواننده متبادر می‌کند که نظریات برول در علوم انسانی به اندازه نظریات اینشتاین در فیزیک دوران ساز بوده است. در حالی که لوی — برول در عرصه علوم انسانی این جایگاه را ندارد. این مطلب به معنای تخفیف منزلت لوی — برول نیست. او از بنیان‌گذاران انسان‌شناسی فرانسه محسوب می‌شود و در نیمه اول قرن بیستم نظریاتش نفوذ قابل ملاحظه‌ای داشت.^{۳۲} انسان‌شناسان نظریات برول درباره ویژگی‌های تفکر ابتدایی و تحلیل‌های او درباره ادیان ابتدایی را هنوز ارزشمند و روشنگرانه می‌دانند.^{۳۴} اما اصلی‌ترین نظریه او، یعنی تقابل دو ذهنیت، دیگر امروز طرفدار چندانی ندارد و انسان‌شناسی از این نظریه عبور کرده است. بنابراین اگر چه لوی — برول در زمینه شناخت ادیان و شیوه اندیشیدن اقوام ابتدایی آثار ارزشمندی تألیف کرد، اما این امر به معنای آن نیست که لوی — برول در عرصه علوم انسانی و به طور اخص در زمینه انسان‌شناسی انقلاب ایجاد کرده است. در این‌جا پرسشی مطرح می‌شود که چرا موقن می‌خواهد لوی — برول را به یک اسطوره تبدیل کند؟

شیوه موقن در معرفی لوی — برول ضعف دیگری نیز دارد. با وجود طولانی بودن مقدمه، موقن نمی‌تواند لوی — برول را در متن تاریخ انسان‌شناسی اروپا قرار دهد. عمده شهرت لوی — برول به علت تحقیقاتش در زمینه انسان‌شناسی است. بر این اساس لوی برول

برشی از تاریخ انسان‌شناسی اروپاست. اما موقن این برش را در کلیت تاریخ انسان‌شناسی قرار نمی‌دهد و فقط به بزرگنمایی لوی - برول می‌پردازد و چهره‌ای اساطیری از او ارائه می‌کند.

موقن به تبع لوی - برول ویژگی‌های عدم پابندی به اصل امتناع تناقض و قانون آمیختگی را از ویژگی‌های اصلی تفکر ابتدایی می‌داند، با وجود این، مقدمه خالی از تناقض نیست. همچنین نظریات موقن درباره روشنفکری ایران را می‌توان از مصادیق قانون آمیختگی دانست. نظریات موقن درباره چگونگی تحول اروپای قرون وسطا به اروپای مدرن متناقض است. موقن در صفحه ۱۵ بیان می‌کند که «ذهنیت عرفانی و پیش منطقی چندان در روند تحول و تکامل قرار نمی‌گیرد». به تعبیر دیگر، ذهنیت عرفانی و جادویی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، نمی‌تواند به ذهنیت علمی و منطقی تبدیل شود. موقن در صفحه ۵۴ ابراز می‌دارد که بر اروپای قرون وسطی ذهنیت ابتدایی حاکم بوده است ولی بر اثر رنسانس و جنبش روشنگری این ذهنیت حاکمیت خود را از دست داد. تناقض اظهارات موقن این‌جاست که وقتی ذهنیت ابتدایی به دلیل ناتوانی‌های ذاتیش نمی‌تواند به ذهنیت علمی بدل شود، چه‌گونه ذهنیت ابتدایی قرون وسطایی به ذهنیت مدرن تبدیل می‌شود؟ موقن ادعاهایی را درباره روشنفکری ایران مطرح می‌کند که فاقد دقت و ژرف اندیشی است. او روشنفکران ایران را بدون ذکر دلایل مستند، طوطی‌صفتانی دارای ذهنیتی ابتدایی و پیش منطقی می‌داند که سرشت ذهن آن‌ها اسطوره‌ای و تجربه‌ناپذیر است. روشنفکرانی که پایبند اصل امتناع تناقض نیستند و اندیشه آنان از قانون آمیختگی پیروی می‌کند.^{۳۲} باید به این نکته عنایت داشت که روشنفکری ایران یک پدیده واحد و یکدست نبوده و از دوران قاجار تاکنون تحولات متعددی را پشت سر گذرانده است. آیا روشنفکری ایران عصر ناصری با روشنفکری دوران پهلوی و دهه‌های اخیر یکسان بوده است؟ به نظر می‌رسد که موقن به پیچیدگی‌های جریان‌های روشنفکری ایران در طی دوران‌های مختلف توجهی ندارد و همه آن‌ها را یکسان می‌پندارد. آیا این شکل برخورد با یک پدیده پیچیده اجتماعی و یکسان‌پنداری تمام روشنفکران ایران در دوره‌های مختلف از مصادیق قانون آمیختگی نیست؟

توجه به تنوع منابع فارسی مقدمه نشان می‌دهد که موقن چندان عنایتی به تألیفات یا ترجمه‌های دیگران ندارد و محصور در آثار و افکار خود است. او در نوشتن مقدمه به غیر از منابع خارجی، از منابع فارسی نیز بهره برده است. در مقدمه نوزده بار به مآخذ فارسی اعم از مقاله و کتاب ارجاع داده شده که از این تعداد شانزده مورد مربوط به تألیفات و ترجمه‌های خود اوست. این در حالی‌ست که مؤلفان و مترجمان دیگری نیز در زمینه مباحثی که موقن در مقدمه مطرح کرده است، آثاری را ترجمه یا تالیف کرده‌اند. شاید مترجم به دلیل آن که دیگران را دارای ذهنیتی پیش منطقی و ابتدایی می‌داند، نمی‌تواند به آثار آنان رجوع کند!

سخنی با مترجم

مقدمه اهداف چندی را دنبال می‌کند. یکی از این هدف‌ها، تعیین نسبت ایران با جوامع ابتدایی است. موقن به شکلی آشکار و پنهان تلاش می‌کند بر اساس نظریات لوی - برول، ذهنیت ایرانی را ابتدایی برشمارد و آن را در چارچوب ذهنیت اقوام ابتدایی تعریف کند. موقن در چند جای مقدمه و یک جا در متن اصلی تلویحاً و یا به شکلی صریح ابراز می‌دارد که ایرانیان دارای ذهنیتی ابتدایی و اساطیری هستند. وقتی موقن ذهنیت روشنفکران ایران را ابتدایی و اسطوره‌زده می‌خواند، این خصلت را می‌توان به همه جامعه ایران تعمیم داد. جامعه‌ای که روشنفکرانش پیش منطقی و اسطوره‌زده هستند دیگر تکلیف توده‌های مردمش روشن است. همچنین موقن بیان می‌کند که زبان فارسی مفهومی نیست بلکه تصویری است.^{۳۵} این گزاره نیز به معنای ابتدایی بودن جامعه ایران است، زیرا بر مبنای نظر لوی - برول تصویری بودن از ویژگی‌های زبان اقوام ابتدایی است. در متن اصلی کتاب نیز موقن در داخل کروش‌های، شباهت باورهای ایرانیان با سرخپوستان چروکی را بیان می‌کند.^{۳۶} شاید این مقایسه را موقن بدین دلیل انجام داده که لوی - برول در ذکر مثال‌هایش ایران را از قلم انداخته است و موقن عدم حضور ایرانیان در کنار دیگر اقوام ابتدایی نام برده شده در کتاب *کارکردهای ذهنی* را تقصیری برای این کتاب می‌داند. بر مبنای شواهد مذکور می‌توان گفت که از نظر موقن ایران در زمره اقوام ابتدایی شمرده می‌شود. ابتدایی خواندن ذهنیت ایرانیان پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که نمی‌توان در مقدمه کتاب پاسخی برای آن‌ها یافت. آیا تمامی افراد و اقشار ایران در تمامی تاریخ پیش و پس از اسلام دارای تفکر ابتدایی، پیش منطقی و اسطوره‌ای بوده‌اند؟ آیا اسطوره‌ای و ابتدایی خواندن ذهنیت ایرانیان یا روشنفکران ایرانی، چگونگی ذهنیت ایرانیان در همه ادوار تاریخی را توضیح می‌دهد؟ به نظر می‌رسد با توجه به نگرش کلی موقن که همه ادوار تاریخی و همه افراد و اقشار ایران را یکسان تلقی می‌کند، او ابتدایی بودن ذهنیت تمام ایرانیان را از صدر تاریخ تا اکنون را امری بدیهی می‌پندارد. اما شواهدی وجود دارد که درستی نظریه موقن را نقض می‌کند. در طی قرون سوم تا ششم هجری در ایران جریان‌های فکری، اندیشه‌مندان و عالمانی ظهور کردند که نمی‌توان ذهنیت آنان را با ذهنیت سرخپوستان چروکی یا قبیله بورورو یکی دانست. این متفکران در بسیاری از علوم نوآوری‌هایی داشتند، پدیده‌های مورد بررسی خود را طبقه‌بندی و دانش خود را به مطالعات تجربی مستند می‌کردند. شاید ذکر شواهدی در این زمینه بی‌مناسبت نباشد. رازی به عنوان دانشمندی جامع‌الاطراف کتاب *الحاوی* را تألیف کرد. این کتاب دایرةالمعارف پزشکی محسوب می‌شود و همچنین حاوی تجربیات بالینی رازی در زمینه مداوای بیماری‌هاست.^{۳۷} محتویات این کتاب نشان می‌دهد که رازی نسبت به تجربه و تناقض بی‌تفاوت بوده است. همو با نوشتن رساله *الشکوک الرازی علی کلام جالینوس* متذکر شد که نباید در برابر سخنان بزرگان عرصه دانش تسلیم محض و تابع بود. رازی با انتقاد از برخی نظریات جالینوس نشان داد که باید با دیدی انتقادی به

اقوال بزرگان علم برخورد کرد.^{۳۸} ابوریحان بیرونی در زمینه شناخت هند کتاب **تحقیق مالهند** را نوشت. این کتاب را می توان اثری مردم شناسانه محسوب کرد. بیرونی در مقدمه **مالهند** می گوید بر خلاف روش رایج زمانه، ادیان هندی را به دور از تعصب مسلمانی بررسی کرده و تلاش ورزیده است که فاصله خود را با موضوع مورد بررسی (ابژه) حفظ کند.^{۳۹} در نیمه دوم قرن پنجم هجری گروهی از منجمان ایرانی تقویم جلالی را تنظیم کردند که «بی گمان دقیق ترین گاهشماری است که تا به امروز بشر به آن دست یافته است و قانون برقراری کیبسه های آن هوشمندانه ترین شیوه ای است که تا به حال در گاه شماری های عالم به کار گرفته شده است».^{۴۰} شواهد فقط منحصر به موارد ذکر شده نیست. می توان نمونه های دیگری نیز ذکر کرد. این شواهد نشان می دهد که روزگاری در این کشور اندیشه مندانی پیشرو جریان های فکری و علمی بوده و به خاطر خلاقیت در زمینه های مختلف، بشریت را وامدار خود کرده اند. پس نمی توان به لحاظ ذهنیت و شیوه تفکر ایران را با جوامع ابتدایی مورد نظر موفن یکی دانست. بررسی تاریخ علم در ایران نشان می دهد که در زمینه علم و تفکر تجربی با مراحل رشد و سپس انحطاط روبه روییم که باید علل آن مورد بررسی قرار گیرد. از طرف دیگر در جوامع متمدن با ذهنیت ها و نه یک ذهنیت روبه روییم. اما موفن دست به تفکیک و تقسیم بندی نمی زند. ظاهراً او از صدر تاریخ تا به امروز، تمامی افراد و اقشار را در ایران دارای ذهنیتی ابتدایی می داند. از این منظر تاریخ ایران فقط عرصه ظهور یک ذهنیت و آن هم ذهنیت ابتدایی بوده است.

نظریه موفن نابسندگی دیگری نیز دارد. ابتدایی یا اسطوره ای خواندن ایرانیان یا روشنفکران ایرانی مسئله ذهنیت در ایران را توضیح نمی دهد. موفن می خواهد با استفاده از نظریه ای انسان شناسی که متعلق به عصر ویکتوریا است و امروز دیگر نخ نما به نظر می رسد و در میان انسان شناسان هم عصر ما نیز کم تر کسی به آن باور دارد،^{۴۱} مسئله پیچیده ذهنیت آن هم در تمام تاریخ ایران را توضیح دهد. فراموش نکنیم که پدیده های اجتماعی چند وجهی و پیچیده اند و هیچ تبیین تک محوری نمی تواند همه جوانب یک پدیده اجتماعی را توضیح دهد. از طرفی دیگر در نظریه موفن با ایدئولوژی سازی و تقلیل مفاهیم روبه روییم. موفن نظریات لوی - برول را به یک ایدئولوژی همه توان تبدیل کرده است تا مسئله ذهنیت در ایران را توضیح دهد. او چنان از نظریات لوی - برول دفاع می کند که گویی او خاتم اندیشه مندان است و نظریاتش آخرین دستاورد فکری بشریت. حال آن که مباحث گفتمانی و زبان شناسی که در دهه های اخیر مطرح شده اند، جذابیت نظریات لوی - برول و به تبع آن نظریه موفن را کم رنگ یا بی رنگ کرده اند. همچنین موفن با استفاده از واژه هایی چون «ابتدایی»، «عقب مانده» و «اسطوره زده»، پدیده پیچیده در ماندگی تاریخی ایران را بیش از حد ساده می کند. باید متذکر شد که پژوهشگر در علوم انسانی با پدیده هایی یگانه و منفرد سروکار دارد. هر پدیده اجتماعی و تاریخی در عین حال که می تواند با پدیده های هم شکل خود شباهت هایی داشته باشد،

ویژگی های خاص خود را دارد. تعمیم های ناصواب می تواند بیش از آن که روشنگرانه باشند، موجب سوء تفاهم شوند. بررسی مسئله ذهنیت در ایران به عنوان یکی از عوامل عقب ماندگی تاریخی ضروری است. اما برای بررسی مسئله ذهنیت ایرانی بهتر است به جای تحقیر خویشتن و خودزنی، کلی گویی های خالی از دقت، طرح نظریات جزئی و همه توان شمردن نظریه های فرسوده، مسئله ذهنیت در ایران به صورتی محققانه، آن هم در پیوند با اجزا و نهادهای دیگر مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان زوایای مختلف این موضوع را مورد شناسایی قرار داد. فراموش نکنیم که شیوه اندیشیدن مردمان ایران حتی با دیگر کشورهای اسلامی متفاوت است و این جنبه های افتراقی نباید نادیده گرفته شود.

پی نوشت ها:

۱. برای اطلاع بیشتر ن. ک: احسان طبری، «طرز تفکر و استنباط قبایل بدوی و آثار آن در طرز تفکر مردم ایران»، مندرج در شماره های ۱ و ۲ مردم برای روشنفکران (۹ و ۱۶ تیرماه ۱۳۲۳). این مقاله در فصلنامه زنده رود تجدید چاپ شده است. ن. ک: فصلنامه زنده رود، ش ۴۶ و ۴۷، (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، صص ۱۱ به بعد.
۲. سایمون کولمن و هلن واتسون، **درآمدی به انسان شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، ج ۲ (تهران: علمی، ۱۳۸۱)، ص ۱۸ به بعد.
۳. لوسین لوی - برول، **کارکردهای ذهنی در جوامع عقب مانده**، ص ۱۴۰.
۴. همان، ص ۱۴۳.
۵. همان، ص ۴۸۷.
۶. همان، ص ۱۴۳.
۷. همان، ص ۹۲.
۸. همان، ص ۱۴۲.
۹. همان.
۱۰. همان، ص ۱۴۳.
۱۱. همان، ص ۳۲۵.
۱۲. همان، صص ۲۴۸-۲۵۲.
۱۳. همان، صص ۲۸۴-۲۸۳.
۱۴. برای اطلاع بیشتر درباره انتقادات دورکم ن. ک: امیل دورکیم، **صور بنیانی حیات دینی**، ترجمه باقر پرهام، (تهران: مرکز، ۱۳۸۳)، صص ۳۲۸-۳۲۲، ۴۹۹-۴۹۸، ۵۸۰، ۶۰۹ و ۶۱۷.
۱۵. کلود لوی - استروس، **اسطوره و معنا**، ترجمه شهرام خسروی، ج ۲ (تهران: مرکز، ۱۳۸۵)، صص ۳۳ و ۶۷.
۱۶. فخرالدین عظیمی، «ذهنیت ابتدایی و اندیشه مدرن»، نگاه نو، ش ۱۶، (مهر - آبان ۱۳۷۲)، ص ۱۳۳.
17. Hugh Gusterson, "Anthropology Of Science", in *Encyclopedia of Cultural Anthropology*, editors: David Levinson and Melvin Ember, (New York: Henry holt and Co. 1996), Vol. 1, p66.
18. *Ibid.*

۳۲. پواریه، همان، ص ۱۳۵.

33. Phillips Stevens, Jr, "Religion" in *Encyclopedia of Cultural Anthropology*, vol. 3. p1093.

و نیز ن. ک: کلود ریویر، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، ج ۶ (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵)، ص ۱۸۴.

۳۴. لوی - برول، همان، ص ۵۳.

۳۵. همان، ص ۵۵.

۳۶. همان، ص ۱۰۹.

۳۷. برای اطلاع بیشتر ن. ک: سیریل الگود، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه باهر فرقانی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ص ۲۲۸ به بعد؛ مهدی فرشاد، *تاریخ علم در ایران*، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ج ۲، ص ۶۷۹ به بعد.

۳۸. برای اطلاع بیشتر ن. ک: احسان طبری، *برخی بررسی‌ها درباره جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران*، (بی‌جا، ۱۳۴۸)، ص ۱۸۷.

۳۹. ابوریحان بیرونی، *تحقیق ماللهند*، ترجمه منوچهر صدوقی سه‌ها، (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲)، ج ۱، ص ۴.

۴۰. رضا عبداللهی، *تاریخ تاریخ در ایران*، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ص ۳۱۶.

۴۱. ن. ک: ژان کازنوو، *مردم‌شناسی*، ترجمه ثریا شببانی، (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۹)، ص ۵۳.

۱۹. برای اطلاع بیشتر ن. ک: ارنست کاسیرر، *اسطوره دولت*، ترجمه یدالله موقن، (تهران: هرمس)، صص ۷۵-۷۹.

۲۰. برای اطلاع بیشتر ن. ک: عظیمی، همان، صص ۱۳۳-۱۳۴.

۲۱. ژان پواریه، *مردم‌شناسی معاصر دنیا*، ترجمه منوچهر کیا، (تهران: شبگیر، ۱۳۵۴)، ص ۱۳۳.

۲۲. همان.

۲۳. عظیمی، همان، ص ۱۳۲.

۲۴. کاسیرر، همان، صص ۱۹-۹ و ۲۵-۲۲ و ۲۹۹.

۲۵. لوی - برول، همان، ص ۴۹۴.

۲۶. همان، ص ۵۰۸.

۲۷. همان، ص ۵۰۶.

۲۸. همان، ص ۵۱۴.

۲۹. به عنوان مثال ن. ک:

Jean Cazeneuve, *Lucien Levy - Bruhl*, (Presses universitaires de france, 1963), p35.

از آقای رضا صابری تشکر می‌کنم که مطالب کتاب کازنورا را برای نگارنده ترجمه کردند.

فخرالدین عظیمی، همان، ص ۱۳۵ به بعد؛ ژان پواریه، همان، صص ۱۳۶-۱۳۵؛ ناصر فکوهی، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، ج ۲ (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۲۵۱.

۳۰. برای یادداشت‌های لوی - برول، ن. ک: عظیمی، همان، صص ۱۳۲-۱۳۱. همان، ص ۱۳۶.

ایران در آستانه‌ی سقوط ساسانیان

نوشته‌ی آ.ای. کولسنیکف

ترجمه‌ی محمدرفیع یحیایی

سفرنامه‌ی مهندس عبدالله

به کوشش دکتر سیروس آرین‌پور

بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی در ایران
(تجربه‌ی دموکراسی در ایران، ترکیه، کره‌ی جنوبی)

نوشته‌ی محمد فاضلی

زمینه‌ها و شیوه‌های یاری‌گری در ایران

(دگریاری، همیاری، خودیاری)

نوشته‌ی حمیدرضا کریمی درمنی

زیر چاپ:

پدیدارشناسی جان (متن کامل)

گئورگ ویلهلم فردریش هگل / ترجمه‌ی باقر پرهام



انتشارات کندوکاو

منتشر کرده است:

ظرافت جوجه‌تیغی

نوشته‌ی موریل باربری

ترجمه‌ی مرتضی کلانتریان

زندان‌هایی که برای زندگی انتخاب می‌کنیم

نوشته‌ی دوریس لسینگ

ترجمه‌ی مزده دقیق

از اریحا تا مکزیکو

(شهر و اقتصاد در تاریخ)

نوشته‌ی پل بروک

ترجمه‌ی دکتر جمشید برومند

آب کردن

نوشته‌ی ای. ال. دکتروف

ترجمه‌ی ابراهیم اقلیدی

مرکز پخش: کتاب گزیده تلفن: ۶۶۴۰۰۹۸۷، ۶۶۴۹۲۹۶۲؛ مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات تلفن: ۱۹-۸۸۷۹۴۲۱۸